روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۶ بهمن ۱۳۹۴ • ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ • ۲۶ژانویه ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۰۵ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۴ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

نخبه‌کشی سیب‌زمینی

پوریا عالمی

• در خبرهای سیاسی سایت تابناک خواندیم که «یک تاجر اروپایی عکس یک سیب‌زمینی را به قیمت یک‌میلیون‌یورو خریداری کرده است».

آچارکشی اول: همان‌طور که می‌بینید مسئله سیب‌زمینی یک مسئله جهانی است. مثلا همین سیب‌زمینی، در یک انتخابات یادمان است که به‌عنوان یک فعال سیاسی مطرح شد.

این‌طوری که دوستان آقای احمدی‌نژاد تا شب انتخابات- به‌جای تراکت تبلیغاتی که عکس آقای احمدی‌نژاد روش باشد - توی شهرستان‌ها گونی‌گونی سیب‌زمینی پخش کردند.

آچارکشی دوم: ما تحقیق کردیم و سعی کردیم ببینیم عکس یک‌میلیون‌یورویی سیب‌زمینی ربطی به ما دارد یا نه.

بعد متوجه شدیم عکس سیب‌زمینی، درواقع عکس پرتره یکی از کاندیداهاست که رفته خارج از خودش عکاسی تبلیغاتی - انتخاباتی کرده.

قرار است این سیب‌زمینی روی پوستر انتخاباتی سیب‌زمینی مذکور - ببخشید کاندیدای مذکور - منتشر شود.

آچارکشی سوم: آن کسانی که می‌گفتند سیب‌زمینی ارزشش را ندارد و فعالان سیاسی را مسخره می‌کردند کجا هستند؟ آنان که می‌گفتند سیب‌زمینی مهم نیست تا مردم به‌خاطرش تحریک شوند؟ آنان کجایند؟ همان سیب‌زمینی که به نظر شما بی‌ارزش بود، تنها یک نسخه از عکسش امروزه در اروپا یک‌میلیون‌یورو دست‌به‌دست می‌شود.

آیا همین رفتار سیب‌زمینی‌ستیزی و نخبه‌کشی سیب‌زمینی سبب نخواهد شد که سیب‌زمینی‌ها به فرار سیب‌زمینی‌ها و فرار بی‌رگ‌ها رو بیاورند و ما را ترک کنند؟ ما نمی‌دانیم.

آچارکشی چهارم: آن کسانی که از گرانی در کشور می‌نالند کجا هستند تا ببینند که خوشی زده زیر دلشان؟

الان توی خارج عکس سیب‌زمینی را ملت وسعشان نمی‌رسد بخرند.

اما ما با تلاش مسئولان به‌راحتی سیب‌زمینی مصرف می‌کنیم.

کارتون خواب

رضا جنگی
rezacartoon@gmail.com

اتفاق

کامبیز نوروزی

درباره اعتراض گروه فشار به حضور معتمدآریا در کاشان

کوچه یک‌طرفه

در قلمرو فرهنگ، نظم حقوقی به رابطه‌ای یک‌سویه بدل شده است. ساده عرض کنم، انجام تکلیف، حق هم ایجاد می‌کند. هر کسی قانونا تکلیف دارد در کارهایی که انجام می‌دهد چیزهایی را رعایت کند، وقتی او این تکلیف‌ها را رعایت کرد، متقابلا حق دارد کارش را انجام دهد و مورد حمایت قانون و دستگاه‌های مسئول قرار گیرد و حریم امنی ایجاد شود که آن فرد یا افراد آنچه را که حق دارند، به اجرا درآورند. این از ابتدایی‌ترین اصول حقوقی و نظم حقوقی است. بگذریم از اینکه بعضی حق‌ها اصلا ذاتی‌اند و در مقابل تکلیف قرار ندارند؛ مثل حق حیات، حق آزادی بیان و... .

در قلمرو فرهنگ اما این کوچه دوطرفه، گویا به معبری یک‌طرفه تبدیل شده است و ملازمه میان حق و تکلیف گاه به فراموشی سپرده می‌شود. گذشته از آنکه در مسیر استیفای حق آزادی بیان، حرف و سخن زیاد است، نمی‌توان توضیح حقوقی روشنی برای این پدیده یافت که چگونه وقتی مراجع صلاحیتدار دولتی، از قبیل وزارت ارشاد و اداراتش و حسب مورد وزارت کشور و استانداری‌ها و اداراتشان اجازه عرضه یک محصول فرهنگی، مانند یک فیلم یا یک نمایش‌نامه یا یک کنسرت موسیقی یا یک سخنرانی و مانند اینها را می‌دهند، دستی خارج از این دستگاه‌ها بیرون می‌آید و کاری می‌کند و آن کار تعطیل می‌شود یا باعث دردسرهای فراوان برای صاحبان و تولیدکنندگانش می‌شود. مقررات کشور می‌گوید برای آنکه یک سخنرانی یا یک اثر فرهنگی اجرا یا تولید شود رعایت بعضی ضوابط الزامی است و آنها مکلفند این ضوابط و معیارهای قانونی رسمی را رعایت کنند. بعد از نظارت‌های مختلف، دستگاه قانونی ذی‌ربط تأیید می‌کند که آن ضوابط قانونی رعایت شده است و اجازه عرضه سخن یا کالای فرهنگی را می‌دهد. تا اینجا یعنی آن اهل فرهنگ یا هنرمند، تکلیفش را انجام داده است. حالا نوبت آن است که از حقی که به دست آورده بهره‌برداری کند و محصول اندیشه و هنر خود را به جامعه و مخاطب خود عرضه کند. حالا نوبت آن است که تمام دستگاه‌های قانونی حق او را مورد حمایت قرار دهند و از او در این مرحله پشتیبانی کنند. این اقتضای ذات حقوق است. اما کم نیست مواردی که ماجرا تغییر می‌کند. یعنی آن که تکلیف را رعایت کرده، از حقش محروم می‌شود و حمایتی هم نمی‌بیند. درواقع بی‌حق می‌ماند. یا بهتر بگویم، حقش ضایع می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی به‌سادگی این است که آن هنرمند یا اهل فرهنگ دایره امنی نمی‌یابد که آسوده باشد اگر کارش را و آن تکالیف قانونی‌اش را به تشخیص دستگاه‌های مسئول انجام داد، می‌تواند با مخاطبانش سخن بگوید. ترجمه حقوقی این سخن این می‌شود که تو تکلیفت را انجام بده، حال شاید از حقی برخوردار شوی یا نه. یعنی کوچه یک‌طرفه.

با تعدد و تکرار جلوگیری از فعالیت‌های مجوزدار فرهنگی، چنین می‌نماید که باید آقای رئیس‌جمهور مختصرنگاهی به این عرصه بیندازد و راهی برای این معضل بیابد. خاصه وقتی ایشان بر حقوق‌دانی خود تأکید می‌کنند، این انتظار بیشتر می‌رود که بر اجرای حق و جلوگیری از نقض حق اصرار و توجه مؤکدی داشته باشد.

تجربه دیگران

برجامِ صلح

اخترمحمد ماکویی- هرات: هر اتفاقی که درباره پرونده هسته‌ای ایران می‌افتد، بر افغانستان نیز به دلیل همسایه‌بودن، داشتن روابط تجاری گسترده و حضور تعداد کثیری از افغان‌ها که برای کار در ایران به سر می‌برند، تأثیر می‌گذارد. واکنش‌ها به اجرای برجام هم کم نبود؛ بیشتر این واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص فیس‌بوک ظاهر شد که بیشترین کاربر را در افغانستان دارد. این واکنش‌ها هم از همان ساعت اعلام بیانیه مشترک دکتر ظریف و فدریکا موگرینی آغاز شد. بیشتر توجه افکار عمومی افغانستان درباره اجرای برجام، افزایش احتمالی نرخ برابری تومان در برابر «افغانی» بود و ابراز امیدواری می‌کردند از روز بعد از رفع تحریم‌ها، درآمد کسانی که در ایران مشغول به کار هستند و درآمدشان را به این کشور می‌فرستند، افزایش پیدا کند. بی‌ربط هم این موضوع را بیان نمی‌کردند؛ چون تا قبل از ظهر روز یکشنبه در بازار صرافی‌های هرات یک میلیون تومان تا ۱۹هزارو ۳۰۰ افغانی معامله شد، یعنی ۵۰۰ افغانی بیشتر از روز قبل. یکی از صرافان این بازار می‌گوید افزایش قیمت تومان در برابر افغانی از چند روز قبل آغاز شده بود. وی ادامه داد که افزایش قیمت یکشنبه صبح مقطعی بود و بعد از چند ساعت دوباره به حالت روزهای گذشته بازگشت. بازار دوباره شاهد افراد زیادی بود که آمده بودند تومان بخرند! چون می‌دانند قبل از اعمال تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران و به‌ویژه تحریم‌های کشتی‌رانی و خارج‌شدن بانک‌های ایرانی از شبکه «سوئیفت»، این نرخ برابری بالای ۴۰ هزار افغانی بود. اجرای برجام چند روز قبل از آغاز گفت‌وگوهای صلح در افغانستان آغاز شد و بعضی از کاربران این دو موضوع را به یکدیگر ربط داده‌اند مثلا؛ کاربری نوشته است: «برای ملت ایران، برجام به فرجام رسید. آیا ملت افغانستان حق ندارد برجام‌هایش را به فرجام رساند؟ برای افغان‌ها برجام، صلح است. آیا این کار ممکن است؟». نام دکتر ظریف و کارهای ارزشمند او نیز بخشی از پست‌هاست. مثلا کاربری نوشته است: «برجام، با فرجامی نیک برای افغانستان. ای کاش ما هم ظریف می‌داشتیم. آیا افغانستان توان داشتن فرزندی مانند ظریف را دارد؟». برخی از پست‌ها هم کمی تحلیلی‌تر بودند مانند: «سرانجام، برجام به فرجام رسید؛ مذاکره و عقلانیت بر جنگ و خشونت پیروز شد. پس از ۱۲ سال مذاکرات پیچیده و نفس‌گیر میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا، سرانجام برجام اجرائی شد. این پیروزی را به همه ملت‌های صلح‌دوست و آزاده جهان به‌ویژه مردم مسلمان ایران تبریک می‌گویم.به امید روزی که صلح و امنیت، مذاکره و آشتی، بر جنگ و خشونت، کشتار و ویرانگری در کشور اسلامی افغانستان نیز پیروز شود». واکنش رسمی دولت افغانستان اما از جانب رئیس اجرائی این کشور بود. «عبدالله» لغو تحریم‌ها علیه ایران را برای منطقه و افغانستان سودمند دانست و گفت لغو تحریم‌های ایران خبری خوب برای صلح، تجارت، اقتصاد و حمل‌ونقل در منطقه است.